

بازشناسی مؤلفه‌های پایگاه اجتماعی و رابطه آن با گرایش به کارتن‌خوابی در شهر تهران^۱

مقدمه: پیش فرض موجود در میان جامعه‌شناسان، وجود رابطه بین طبقات اقتصادی و پایگاه اجتماعی پایین و میزان گرایش به کجروی^۱ اجتماعی بیانگر گرایش به پارادایم تضادگرایی در این شاخه از حوزه جامعه‌شناسی است. اما از آنجاکه پژوهشگر در مطالعاتی که درباره کارتن‌خوابی داشته، با موارد نقض‌کننده این گزاره مواجه شده بود، این پژوهش را با هدف مطالعه رابطه پایگاه اجتماعی و گرایش به کارتن‌خوابی در میان کارتن‌خواب‌های شهر تهران آغاز نمود.

روش: روش پژوهش ترکیبی و از نوع ترکیبی متوالی بود. بدین صورت که ابتدا بر اساس فرضیه‌های موجود در چارچوب نظری که متأثر از نظریه‌های تضادگرایی در کنار نظریه کنش متقابل‌گرایی مید بود و تأثیر پایگاه اجتماعی پایین در گرایش به انحرافات اجتماعی و در این پژوهش، گرایش به کارتن‌خوابی تدوین شد و پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته در میان کارتن‌خواب‌های شهر تهران توزیع شد. در بخش کمی، جامعه آماری ۱۲۰۴۸ نفر بودند و بر اساس فرمول کوکران، ۳۷۲ نفر به‌عنوان جامعه مورد مطالعه انتخاب شدند که شیوه نمونه‌گیری نیز تصادفی بود. در بخش کیفی پژوهش، نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به اشباع داده‌ها پیش رفت که پس از مصاحبه با ۳۴ نفر از کارتن‌خواب‌های شهر تهران، پژوهشگر به اشباع داده‌ها دست یافت.

یافته‌ها و نتایج: نتایج پژوهش در بخش پیمایشی و کمی نشان داد که رابطه کارتن‌خوابی و پایگاه اجتماعی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نبود. پس از آن، بر مبنای داده‌های گردآوری‌شده، سه پایگاه اجتماعی بالا، متوسط و پایین از یکدیگر تفکیک شدند که رابطه گرایش به کارتن‌خوابی و پایگاه اجتماعی پایین و متوسط در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بود. بدین ترتیب، پژوهشگر برای بازشناسی مؤلفه‌های پایگاه اجتماعی و نقش آن در گرایش به کارتن‌خوابی بر اساس مصاحبه با کارتن‌خواب‌ها نشان داد که در پایگاه اجتماعی پایین، مهاجرت و حاشیه‌نشینی، حضور در موقعیت‌های آسیب‌زا افزایش می‌یابد. در پایگاه اجتماعی بالا نیز تنوع موقعیت‌های فراغتی، امکان حضور در موقعیت‌های پرخطر را افزایش داده و به اعتیاد و کارتن‌خوابی منجر می‌شود. این نتایج نشان داد که فرضیه تضادگرایان در مورد رابطه فقر اقتصادی و گرایش به انحرافات اجتماعی همیشه نمی‌تواند معنادار داشته باشد.

۱. سید سعید آقائی^b

دکتر جامعه‌شناس فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
<saeidaghaei1396@gmail.com>

واژه‌های کلیدی:

پایگاه اجتماعی، حاشیه‌نشینی، فرصت‌زدگی، کارتن‌خوابی، موقعیت‌های فراغتی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۰۵

۱. در این پژوهش، دیدگاه صرفاً قیاسی مبتنی بر تضادگرایی مورد پرسش واقع شده است و کارتن‌خوابی به‌عنوان یکی از اشکال زندگی طردشدگان در جامعه، شیوه عرفی گذران زندگی روزمره نیست. بنابراین از تلقی کارتن‌خوابی به‌عنوان انحراف اجتماعی در این پژوهش اجتناب شده است. در ضمن در بخش چارچوب نظری از دیدگاه تضادگرایی به‌منظور ایجاد پرسش اساسی پژوهش بر اساس داده‌های واقعی استفاده شده تا بتوان با استناد به داده‌های پژوهشی، گزاره‌های علمی را موردنقد قرار داد و درصدد به دست آوردن نتایج دقیق و مستند بود.

مقدمه

تغییرات اجتماعی ابعاد گسترده‌ای از جامعه را درگیر می‌کنند که عینی‌ترین بعد آن را می‌توان تغییر فضاهای شهری به شمار آورد که به تبع آن تغییراتی را در بافت جمعیتی و کنشهای متقابل روزمره شهروندان به وجود می‌آورد. در سالهای ۱۳۱۰، نخستین نشانه‌های مدرن شدن در ساختار شهر تهران ظاهر شدند؛ تا آن هنگام زندگی اجتماعی همواره در محله‌های کوچک سازمان می‌یافت. با ساخته شدن خیابانهای بزرگ، بخشی از زندگی به خیابانهای انتقال یافت که در آن اتومبیلها رفت‌وآمد می‌کردند، اما بخش دیگر در کوچه‌های کوچک و در خانه‌هایی ادامه یافت که در آنها نظام سنتی بسته همچنان حاکم بود (اورکار، ۲۰۰۸). تغییرات فضایی از یک‌سو نشانه‌های مطلوبی در گسترش فضاهای خدماتی در شهر و تفکیک جغرافیایی شهر بر اساس کارکردهای آن است و از سوی دیگر، بافت جمعیتی را به سمت طبقاتی شدن پیش می‌برد. طبقاتی شدن به رشد فزاینده افرادی از طبقه پایین که فقر را تجربه می‌کنند، می‌انجامد و موجب می‌شود که حمایت‌های خویشاوندی و روابط غیررسمی که در جامعه سنتی همانند سازمانهای حمایتی عمل می‌کردند، به تدریج رو به افول گذارند. همین نکته را در آرای تافلر می‌توان مشاهده کرد؛ در موج اول که جوامع کشاورزی هستند، خانواده به صورت خانواده گسترده وجود دارد و با ورود جامعه به موج دوم، یعنی دوره صنعتی خانواده به اشکال هسته‌ای و یا سلولی تغییر شکل می‌دهند (تافلر، ۲۰۰۸). با چنین تغییری در خانواده‌ها، از حمایت اجتماعی افراد کاسته می‌شود و با پیشرفت این روند، خانواده‌های سلولی در عصر فناوری، مبنای تشکیل خانواده می‌شوند که پدیده تنهایی و انزوای را بیش‌ازپیش گسترش می‌دهد و به اشکال مختلفی از فقر مطلق دامن می‌زند. گسترش پدیده انزوای در میان شهرنشینان و گرایش به سمت غریبگی به تعبیر زیمل علاوه بر پیامدهای مثبت، دارای پیامدهای دیگری نیز هست. تظاهر تحرک در درون‌گروهی

دارای مرز، ترکیبی از نزدیکی و دوری پدید می‌آورد که موقعیت غریبه را می‌سازد. شخصی که کاملاً در تحرک است، به‌طور اتفاقی با هر یک از عناصر مفرد گروه تماس برقرار می‌کند، اما نمی‌تواند از طریق پیوندهای تثبیت‌شده خویشاوندی، محل زندگی یا شغل، به‌طور ارگانیک با کسی ارتباط برقرار کند (زیمل، ۲۰۱۶). این ویژگی در جامعه سنتی کاملاً متفاوت است و هرگونه ارتباط فرد با دیگری می‌تواند بنیان رابط‌های مستمر را پی‌ریزی کند و جامعه را به سمت همبستگی ای مبتنی بر شباهت‌ها سوق دهد. اما در جامعه‌ای که طبقات اجتماعی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن به شمار می‌رود، گمنامی و غریبگی علاوه بر آنکه میدان فردیت را گسترش می‌دهد و اختیار عمل را افزون می‌سازد، در مقابل این آزادی، پشتوانه‌های حمایتی را می‌زداید و برقراری روابطی اجتماعی که بتواند استمرار داشته باشد را محدود می‌کند. به همین دلیل، جامعه را با مسائلی اجتماعی مواجه می‌کند که کارتن‌خوابی و بی‌خانمانی از جلوه‌های شهرهای بزرگ مانند تهران است. حاشیه‌نشینی و بی‌خانمانی با طرد اجتماعی در ارتباط هستند و گونه کارتن‌خوابی در میان بی‌خانمانها، نقطه اوج طردشدگی است. درواقع کسانی که از جامعه رانده شده‌اند و شیوه متعارف زندگی اغلب مردم را دنبال نمی‌کنند، به‌طور بدیهی از برخی امکانات نیز محروم شده و در زمره افراد بی‌خانمان قرار می‌گیرند (کلانتری و همکاران، ۲۰۱۳). هُمب^۱ افرادی که فاقد اقامتگاه ثابت شبانه باشند را بی‌خانمان می‌داند. اقامتگاه این افراد می‌تواند در سه دسته قرار گیرد: الف، پناهگاه عمومی، اختصاصی یا تحت نظارت که برای فراهم کردن امکانات اولیه و موقتی طراحی شده است، مثل هتل‌های بهزیستی، اقامتگاه‌های عمومی و مسکن سیار برای بیماران روانی. ب، مؤسسه‌ای که یک مسکن موقتی برای افرادی که مایلند در آن اقامت کنند، فراهم می‌آورد. ج، مکانی عمومی یا اختصاصی که برای فراهم کردن امکانات لازم به‌منظور خواب راحت انسانها طراحی نشده است یا به این منظور استفاده نمی‌شود (همب، ۲۰۰۱). بی‌خانمانی، یک مسئله اجتماعی ناشی

1. Homb

از شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه است، اما کارتن‌خوابی می‌تواند به دلایل اجتماعی رخ دهد یا اینکه نمود مسائل دیگری باشد که کارتن‌خوابها می‌خواهند از این سبک زندگی برای نشان دادن آن مسائل استفاده می‌کنند. گاهی بی‌خانمانی و کارتن‌خوابی، ناشی از طرد اجتماعی نیست و اعتراضی است به وضع موجود جامعه که این افراد سعی دارند با نشان دادن برخی از ویژگیهای شرایط زندگی مردم، جلب توجه کرده و خواستار تجدیدنظر در سیاستهای جاری جامعه شوند. مثل برخی گروههای فعال مدنی که با داشتن مهارتهای کافی در زمینه موسیقی و خوانندگی به اجرای آهنگها و ترانه‌های موردعلاقه مردم و بیدار کردن نوستالژی در آنان می‌پردازند و این کار را با فعالیت در کنار خیابان انجام می‌دهند. این گروه، تنها بخش کوچکی از بی‌خانمانها را در برمی‌گیرد و به دلیل فراگیر نبودن آن، یک مسئله اجتماعی به شمار نمی‌روند. اما گروهی که به دلیل شرایط نامساعد اجتماعی از جمله فقر، بی‌خانمان شده و به حاشیه‌نشینی و کارتن‌خوابی روی آورده‌اند، در جامعه چشم‌گیر هستند. علاوه بر این، گروهی از افراد یا خانواده‌هایی که در این دو شرایط - بی‌سرپناهی یا سر کردن در اقامتگاههای شبانه - به سر می‌برند، اغلب در بهترین حالت داغ‌نگه‌هایی چون جنایتکار یا خطرناک را بر پیشانی دارند. مهاجرانی که تازه به شهرها آمده‌اند، اغلب با خویشان و دوستان خود جمع شده و از این طریق بر بی‌سرپناهی خود سرپوش می‌گذارند. شمار زیادی از بی‌خانمانهای مخفی نیز شامل زنان و کودکانی می‌شوند که از خشونت‌های خانگی و سوءاستفاده‌های جنسی گریخته‌اند (تنهایی، ۲۰۰۹). این گروهها نیز اگرچه سعی در ساختن موقعیتی متفاوت از موقعیت بی‌خانمانها دارند، اما در تحلیل نهایی بخشی از این جمعیت به شمار می‌روند. اغلب جمعیت بی‌سرپناه در کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت، بیکاران، مهاجران، معتادان، بیماران روانی، اقلیتهای نژادی و قومی، زنان مورد ضرب و شتم قرار گرفته، جوانان گریزان از خانه و کودکان خیابانی هستند که بخش بزرگی از سرمایه‌های اجتماعی هر جامعه‌ای از طریق فعالیت و مشارکت این افراد تأمین می‌شود.

درواقع کارتن‌خوابی می‌تواند یک انتخاب یا یک اجبار باشد؛ در صورتی اجبار اجتماعی است که پدیده‌ای مثل طرد اجتماعی و ناسازگاری افراد کارتن‌خواب با هنجارها، الگوها و عرف اجتماعی مفروض باشد. اما اگر کارتن‌خوابی یک انتخاب باشد، درواقع می‌توان کارتن‌خوابها را یک گروه فعال مدنی دانست که از الگوهای موجود در جامعه پیروی نمی‌کنند و در قالب نظریه مرتن، گروه انزواگرایان هستند. در این صورت، کارتن‌خوابی یک سبک زندگی است که افراد، خودشان انتخاب می‌کنند و با انتخاب این سبک از زندگی بر زوال سرمایه انسانی که یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی است، تأکید کرده و سعی در اعتراض به قوانین و هنجارهای حاکم بر جامعه دارند. این پیامد بسیار مهم که به از دست رفتن نیروی انسانی و سرمایه اقتصادی می‌انجامد، درواقع می‌تواند نیروهای بالقوه‌ای که احتمال فعالیت آنان در بخشهای تخصصی جامعه زیاد است را نیز در بر بگیرد. بدین معنا گروهی از افراد که در شرایط ذهنی و جسمی فعال برای آموختن مهارتها و ارتقا پیدا کردن در جابه‌جایی اقشار اجتماعی هستند، به نیروهایی منفعل تبدیل شده و چه بسا به‌عنوان مخاطره برای جامعه شناسایی شوند.

آشفتگی و نابسامانیهای شهرنشینی در ایران منعکس‌کننده سرگردانی و ابهام در تعیین جهت‌گیریهای اساسی زندگی (فردی و جمعی) است و صرف‌نظر از علل کثیر به وجودآورنده آن، می‌توان انتظار داشت واجد تأثیراتی در فرآورده‌های حاصل از زندگی نیز باشد (آقائی، ۱۳۹۶). لذا شگفت‌آور نخواهد بود که ناهماهنگی، عدم توازن، تنزل مدیریت شهری گاه نازل‌تر از معرفت عامیانه^۱ و تداخل و پیچیدگی مضاعف و فزاینده مسائل شهری و غیره، همگی به بحرانی در سامانه شهر، حیات شهرنشینان و زندگی شهری منجر شوند. بدین ترتیب، آسیب‌شناسی مسائل شهری در ایران باید در چارچوب شرایط کلی زندگی روزمره موردبررسی قرار گیرد که یکی از مهم‌ترین مسائل شهری و شهرنشینی، گسترش

1. common sense

حاشیه‌نشینی و به تبع آن، افزایش بی‌خانمانی و کارتن‌خوابی است که پیامدهای بی‌شماری به دنبال خواهد داشت و می‌تواند جامعه را با بستری بحران‌زا مواجه کند.

بر اساس بررسیها، مشاهدات، مستندسازیهای صورت گرفته و همچنین آمارهای ارائه‌شده از سوی انجمنها و شهرداری، به‌طور کلی ۱۵ تا ۱۷ هزار کارتن‌خواب در سراسر کشور حضور دارند (معاون امور اجتماعی بهزیستی، شهریور ۱۳۹۴ در سایت خبری تحلیلی). معاون خدمات اجتماعی سازمان رفاه، خدمات و مشارکتهای اجتماعی شهرداری تهران اعلام کرده که در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۴ هر شب ۳۰۰۰ کارتن‌خواب از سطح شهر تهران جمع‌آوری می‌شوند که ۹۰ درصد آنها از جمله معتادان هستند که در ۲۰ گرم‌خانه شهرداری نگهداری می‌شوند (شهریور ۲۰۱۵، سایت خبری تحلیلی). تعداد کل کارتن‌خوابهایی که در ۶ ماهه دوم سال ۱۳۹۵ در گرم‌خانه‌ها حضور داشته‌اند، ۱۲۰۴۸ نفر بوده است (معاونت شهرداری تهران، ۲۰۱۶) که این آمار محدود به گرم‌خانه‌هاست و ممکن است افرادی هم به گرم‌خانه‌ها مراجعه نکرده باشند. با توجه به آمار بالای اعلام غیررسمی تعداد کارتن‌خوابهای شهر تهران و در دسترس نبودن آمار دقیق از تعداد افراد بی‌خانمان و بخصوص کارتن‌خوابها، با توجه به عوامل زمینه‌ساز این پدیده می‌توان به اهمیت مطالعه در این باره پی برد. در مطالعه‌ای که اثر شاخص رشد اقتصادی فقر را به تفکیک دوره ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷، برنامه اول (۱۳۶۸-۱۳۷۲)، برنامه دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸) و بخشی از برنامه سوم (۱۳۸۱-۱۳۷۹) توسعه اقتصادی-اجتماعی برآورد کرده‌اند، اثر رشد اقتصادی به دو اثر درآمدی و اثر توزیعی تفکیک شده است. نتایج حاصل از این تجزیه حاکی از آن است که در طول دوره ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷، فقر افزایش یافته است، اما کاهش در نابرابری در طی این دوران موجب تخفیف فقر ناشی از رکود اقتصادی شده است. طی برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی اول، دوم و سوم نیز رشد ناچیز نسبی در اقتصاد ایران به‌استثنای برنامه سوم در سایر دوره‌ها، حامی فقرا نبوده است. در سال ۱۳۸۵، شاخص رشد به نفع فقرا در سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۲ در مناطق شهری

و روستایی محاسبه شده بود که نتایج مطالعات بعدی نشان داد که هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی، رشد به طور ضعیف به نفع فقرا عمل کرده است و در سال ۱۳۷۷ رشد، تشدیدکننده فقر بوده است (ابونوری و قادری، ۲۰۰۷ در راغفر و دیگران، ۲۰۱۵: ۶۲-۳). نرخ فقر طی ۳۰ سال گذشته حدود ۳۰ درصد بوده است. به عبارت بهتر از هر ۱۰ نفر، ۳ نفر زیرخط فقر به سر برده‌اند و شاخصهای مربوط به شدت و شکاف فقر نیز بسیار مشابه شاخص سرشمار فقر حرکت کرده است. نتایج نشان داده است که با گذشت ۳۰ سال، هنوز برنامه منسجمی برای کاهش فقر و نابرابری در کشور وجود ندارد.

کارتن‌خوابی چه یک انتخاب باشد و چه یک اجبار، مسئله‌ای چندوجهی است که می‌تواند در صورت طرد اجتماعی دلایلی چون افزایش فقر، بیکاری، ورشکستگی اقتصادی و گسیختگی خانواده داشته باشد و در ضمن زمینه را برای مسائل اجتماعی دیگری مثل سرقت، آدم‌ربایی، تجاوز جنسی، قتل، تکدی‌گری، ابتلا به بیماریهای جسمانی-روانی، اعتیاد به مواد مخدر و ده‌ها آسیب دیگر فراهم کند. هم دلایل کارتن‌خوابی و هم پیامدهای آن، نشان‌دهنده آسیب رسیدن به سرمایه‌های انسانی و اجتماعی جامعه است که در توسعه و پیشرفت جامعه نقش مهم و مؤثری را ایفا می‌کند. از طرفی، در مطالعه راغفر و همکاران دیده شد که سیاستهای توسعه اقتصادی و کاهش فقر نتوانست در روند نزولی کارتن‌خوابی تأثیر داشته باشد و این نکته در کنار تجربه‌های پژوهشگر که به‌عنوان مددکار با برخی از کارتن‌خوابها از طبقات اقتصادی و اجتماعی متوسط و بالا ارتباط داشته، وی را بر آن داشت تا پایگاه اجتماعی کارتن‌خوابها را به‌عنوان مفهومی که دربردارنده مفاهیم انتخابی در چارچوبی سرسخت و از پیش تعیین شده است، وجه تمایز آنان به شمار آورده و نشان دهد که پایگاه اجتماعی تا چه اندازه می‌تواند بازدارنده تخریب سرمایه اجتماعی هر جامعه‌ای باشد؟

پیشینه تجربی پژوهش

استفان گیتز^۱، جس دونالدسون^۲، تیم ریچارد^۳ و تانیا گالیور^۴ در «گزارش بی‌خانمانها در کانادا در سال ۲۰۱۳» که توسط مرکز مطالعات پیمانی برای پایان دادن به بی‌خانمانی^۵ منتشر شده، آورده‌اند: مطالعه‌ای از بی‌خانمانی به‌عنوان یک مشکل فردی برای مفهوم‌سازی بی‌خانمانها انجام شده، نتیجه‌ای حاصل شد که بی‌خانمانی را پیامد عوامل ساختاری، سیستمهای ناکارآمد و شرایط فردی کلیدی برای رسیدن به مهم‌ترین علت مسئله است. اما داده‌ها در این بخش نشان می‌دهد که بی‌خانمانی مشکلی بزرگ‌تر از تعداد زیادی از مردم است که در خیابان یا در پناهگاه زندگی می‌کنند. بخش بزرگی از جمعیت کانادا در تلاش است با فقر و امنیت درآمد (نرخ کمکهای اجتماعی، کاهش تعداد کم‌درآمدها و تأمین حداقل دستمزد)، قیمت مسکن (شامل نرخ خام، هزینه لیست انتظار مسکن و مسکن اجتماعی) و عدم امنیت غذایی که آنها را در معرض خطر بی‌خانمانی قرار داده است، حمایت کنند. تعداد زیادی از خانواده‌ها، بین پرداخت اجاره‌خانه و تغذیه بچه‌های خود ناچار به انتخاب هستند. بسیاری از کاناداییها در حاشیه‌ها زندگی می‌کنند و تنها یک فاجعه کوچک یا به‌اندازه حقوق ماهیانه از دست‌رفته با بی‌خانمانی فاصله دارند. تمرکز بر مسکن، مداخله زودهنگام و توسعه مسکن مقرون‌به‌صرفه، کلیدهای اصلی توانمندی برای حرکت به‌دور از واکنشهای اضطراری در ارائه خدمات به بی‌خانمانها هستند (گیتز و دیگران، ۲۰۱۳).

«گزارش پژوهشی در امریکا درباره بی‌خانمانها؛ بررسی بی‌خانمانها، رابطه عوامل اقتصادی و جمعیت‌شناختی و تغییرات ملی، دولت و سطوح محلی» عنوان پژوهشی است که در سال ۲۰۱۲ توسط موسسه تحقیقاتی بی‌خانمانی انجام و ارائه شده است. دولت آمریکا در سال ۲۰۱۲، بی‌خانمانی را بین سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۱ که دوره رکود اقتصادی در کشور بود، بررسی کرده است. این گزارش نشان می‌دهد که با وجود وضعیت بد اقتصادی، بی‌خانمانی ۱ درصد در طول این دوره

1. Stephen Gaetz
4. Tanya Gulliver

2. Jesse Donaldson

5. CAEH: Canadian Alliance to End Homelessness

3. Tim Richter

کاهش یافته است. کاهش بی‌خانمانی، به احتمال زیاد به دلیل سرمایه‌گذاری قابل توجهی بود که از سوی منابع فدرال برای جلوگیری از بی‌خانمانی صورت گرفت و به سرعت افرادی که بی‌خانمان شده بودند، دوباره به خانه بازگشتند. پیشگیری از بی‌خانمانی و برنامه بازگرداندن سریع به خانه (HPRP)، تأمین مالی از طریق قانون بازبایی و سرمایه‌گذاری مجدد آمریکا در سال ۲۰۰۹)، تلاش ۱/۵ میلیارد دلاری فدرال برای جلوگیری از افزایش بی‌خانمانی به دلیل رکود اقتصادی بود. آنها با سرمایه‌گذاری روی کارهای کنار گذاشته شده در سطح فدرال و در حوزه‌های قضایی سراسر کشور برای بهبود سیستم بی‌خانمانی بر اساس شواهد اتخاذ شده، تأثیرات قابل توجهی گذاشتند. در سال ۲۰۱۰، در اولین سال اجرای این برنامه، به حدود ۷۰۰ هزار نفر از افراد در معرض خطر و بی‌خانمان کمک شده است. این گزارش شواهدی را فراهم می‌کند که آن را در دستیابی به اهدافش برای جلوگیری از افزایش بی‌خانمانی موفق کند (گزارش بی‌خانمانی آمریکا، ۲۰۱۲).

چارچوب نظری

کوئینی سرمایه‌داری را خاستگاه نابرابریهای اجتماعی معطوف به رفتارهای انحرافی می‌داند. به نظر وی «فرودستان جامعه که از یک سو با نیازهایی روبرو هستند و از سوی دیگر فرصتها و امکانات محدودی دارند، ناچار مرتکب رفتار مجرمانه می‌شوند. قدرتمندان و ثروتمندان رفتار گروهها و افرادی را که منافع و حیات آنان را تهدید می‌کند مجرمانه تلقی می‌کنند و اساساً تعریفشان از کجروی مبتنی بر حمایت از منافع خود است. قانون ابزاری شده برای حفظ وضع موجود تا منافع طبقه سرمایه‌دار تأمین شود. برگزیدگان قدرت و ثروت نوعی ارزش و ایدئولوژی را در جامعه جا می‌اندازند که بیانگر رفتار مجرمانه فرودستان است تا بدین وسیله نشان دهند که افراد نامطلوب در طبقه فرودستان به فراوانی وجود دارد برای حفظ وضع موجود مجرم‌سازی می‌کنند» (هاپکینز، ۲۰۰۱). این دیدگاه که ملهم از دیدگاه

تضادی است، بر این نکته تأکید دارد که کجروی بیشتر برخاسته از فقر اقتصادی است. ولد معتقد است که «انسانها اساساً زندگیشان محصول پیوندهای گروهی آنهاست و گروهها بر اساس منافع و نیازهای اعضا شکل می‌گیرند. وقتی منافع و نیازهای گروهها با هم در تضاد باشند، روابط میان گروهها رقابتی و تضاد برانگیز می‌شود و تضاد میان گروهها شکل می‌گیرد. تضاد میان منافع گروهی بیشتر خود را در سیاستهای قانون‌گذاران نشان می‌دهد. قانون‌گذارها معمولاً منطبق با منافع گروهی و متضاد با منافع گروهی دیگر است. گروهی که قوانین برخلاف منافع آنهاست و قدرت دفاع قانونی از منافع خود را ندارند، به احتمال زیاد قوانین را نقض و رفتار مجرمانه در پیش می‌گیرند» (ولد، ۲۰۰۰). گرچه جرج ولد بر طبقه اقتصادی تأکید ندارد، اما وی نیز رفتارهای کجروانه را ناشی از حمایت‌های کم اجتماعی و برخورداری از محرومیتهای زیاد می‌داند. هر دو دیدگاه به‌نوعی بر شرایطی تأکید دارند که فرد توسط جامعه به‌سوی کجروی هدایت شده و تحلیلی از موقعیت خود نداشته است.

گرچه محرومیت اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از آسیبهای اجتماعی باشد و منجر به طرد اجتماعی افراد گردد، اما ساده‌انگاری در مورد این مسئله که از بنیانهای وضعیت اقتصادی نشأت گرفته و حتی در پایگاه اجتماعی افراد نیز تأثیرگذار است، می‌تواند کاستی در تبیینهای جامعه‌شناختی به شمار آید. «طرد اجتماعی پدیده‌ای چندوجهی است و فراتر از ابعاد مادی و کمبودهای اقتصادی، بر دامنه‌ای متنوع از محرومیتهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی همچون طرد از حقوق شهروندی، طرد جنسیتی، طرد از بازار کار، طرد از مشارکت در زندگی اجتماعی و طرد از روابط و شبکه‌های اجتماعی دلالت دارد» (طالبان، ۱۹۹۸). محرومیت اجتماعی در رابطهای متقابل با حمایت‌های اجتماعی می‌تواند زمینه‌های بالندگی یا رکود در مهارتهای اکتسابی افراد را به وجود آورد. بنابراین فرصتهای زندگی به‌عنوان بخش مهمی از بسترهای رشد و پیشرفت اجتماعی، تنها می‌تواند راه‌های موجود برای کنشگری فرد را محدود سازد یا گسترش دهد.

مید بر این باور است «کنشگر پیش از اجرای نقش باید معنای نقش را بفهمد و بر اساس معانی فهم شده بتواند نقش یا نقشهای مقابل خود را در شبکه تقسیم اجتماعی کار درک کند و نتایج اجرای هر یک از کنشهای احتمالی را بسنجد و سرانجام پس از محاسبه نتایج احتمالی هر یک از کنشها دست به انتخاب کنش مناسب بزند. نقش‌گیری الزاماً پیش از اجرای نقش صورت می‌گیرد، ولی همیشه منجر به اجرای نقشی که توسط کنشگر درک شده است، نمی‌شود» (تنهایی، ۲۰۱۲). بنابراین هر فردی در هر موقعیت اجتماعی نیاز به درک شبکه نقشهای اجتماعی دارد تا بتواند برای اجرای نقش خود تصمیم‌گیری کند. بلومر نیز استدلال می‌کند که «جامعه چارچوبی برای رفتار و سلوک آدمی است و نقش آن تنها تعیین‌کنندگی کنش نیست. وی با تأکیدی رفتارگرایانه بر روابط دیالکتیکی فرایندهای تفسیری آدمی و ساخت اجتماعی تأکید می‌کند» (مینز، ۲۰۰۹). بر این اساس، جامعه و حمایت‌های آن، محرومیت‌هایی که به دلیل شیوه روابط متقابل یا طبقه اقتصادی به فرد تحمیل می‌شود، تنها به‌عنوان چارچوبی برای کنش هستند که کنشگر برای فهم موقعیت اجتماعی بر اساس تجربه‌های خود به آن متوسل می‌شود. گافمن با پرداختن به مسئله معنا در کنش متقابل اجتماعی، تحلیل چارچوب را برای تحلیل کنشهای اجتماعی به کار بست. «او برای اینکه نشان دهد که چگونه معنای رفتار انسان در کنش متقابل اجتماعی شناخته می‌شود، به شرح این مسئله می‌پردازد که رفتار چگونه به نمایش درآمده و معنا می‌پذیرد. وی در یافتن معنای کنش سعی داشت تا موضوعات مشترک شناختی که افراد از آن برای تعیین معنا در کنش متقابل بهره می‌برند را شناسایی کرده و نمادها و معنایی را که کنشگران را برای خلق کنش گرد هم می‌آورد را شناسایی کند» (ویلیامز در استونز، ۲۰۱۰). نمادها و معنایی که کنشهای متقابل اجتماعی در چارچوب آنها خلق می‌شوند، تعداد محدودی از قوالبی را به وجود می‌آورند که کنشگران اجتماعی در آن چارچوب دست به ساخت کنش می‌زنند. این نمادها و معناها در فرایند کسب مهارتهای اکتسابی و مشخص شدن پایگاه اجتماعی افراد نقشی بسزا و مهم دارند که علاوه بر چارچوبهای اجتماعی از پیش موجود بر انتخاب‌گری آگاهانه کنشگر نیز صحنه می‌گذارد. در این مقاله با توجه به این

نکات، سعی شده تا رابطه پایگاه اجتماعی با سه شاخص طبقه اقتصادی، محرومیت‌های اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی با کارتن‌خوابی تحلیل شود.

روش

در این پژوهش که در پاسخ به یک سؤال کمی، سعی در آزمون رابطه بین دو متغیر پایگاه اجتماعی و کارتن‌خوابی دارد از روش کمی و پیمایشی با ابزار پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه که محقق ساخته بود، به صورت مصاحبه‌ای و در گفتگو با کارتن‌خوابها در گرم‌خانه‌ها که حضور کارتن‌خوابها فقط شبها ممکن بود، پرسید؛ به همین دلیل در ساعات پایانی شب در زمستان سال ۱۳۹۶ با مراجعه به گرم‌خانه‌های شهر تهران اطلاعات موردنیاز گردآوری شدند. در این بخش از پژوهش بر اساس آخرین آمار ارائه‌شده توسط شهرداری تهران، جامعه آماری برابر با ۱۲۰۴۸ نفر بود که با استفاده از فرمول کوکران، ۳۷۲ نفر برآورد گردید. شیوه نمونه‌گیری نیز خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود و با مراجعه پژوهشگر به گرم‌خانه‌ها و مددسراها انجام شد. نمونه‌گیری در دو مرحله و با تفکیک گرم‌خانه‌ها به دو بخش گرم‌خانه‌های زنان و گرم‌خانه‌های مردان و پس‌از آن، انتخاب کارتن‌خوابها به صورت تصادفی انجام شد. از آنجاکه گرم‌خانه‌ها عمدتاً در مناطق جنوبی شهر تهران متمرکز شده بودند، به همین دلیل از تقسیم منطقه‌ای در شهر تهران اجتناب شد. در پاسخ به سؤال کیفی پژوهش نیز از اتنوگرافی که داده‌های آن به وسیله مصاحبه گردآوری شدند، استفاده شد و از آنجاکه اهداف کمی و کیفی در این مطالعه در راستای یکدیگر قرار داشتند، درحالی‌که پرسشنامه به شیوه مصاحبه‌ای پرسید، از برخی از پاسخگویان که تمایل به گفتگو و مصاحبه داشتند نیز داده‌های کیفی گردآوری شد. داده‌های کیفی نیز از مصاحبه‌شوندگان که به صورت هدفمند و بر اساس داشتن تجربه کارتن‌خوابی انتخاب شده بودند، گردآوری شد. مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی، برای پاسخگویی به پرسش تحقیق، تحلیل شدند. تحلیل به شیوه مردم‌نگارانه انجام شد که در ابتدا، دو کد برای فرصت‌های

زندگی و سبک زندگی وجود داشت که یکی اجباری و دیگری انتخابی است. بر اساس این کدگذاری اولیه تحلیل مردم‌نگارانه پیش رفت و نتایج بعد از دسته‌بندی در جداول و نمودارها نشان داده شدند. تعداد افراد مصاحبه‌شونده ۳۴ نفر بودند که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند پس از اشیاع نظری به پایان رسید. مصاحبه با آقایان کارتن‌خواب توسط پژوهشگر و مصاحبه با خانمهای کارتن‌خواب توسط همکار پژوهشی وی که آموزش دیده بود و در گردآوری داده‌ها یاری می‌رساند، انجام شد. مصاحبه از افرادی صورت گرفت که از مصاحبه استقبال کردند و صدای آنان نیز با مجوز خودشان ثبت و ضبط شد. کسانی که کارتن‌خوابی را تجربه نکرده بودند، در مسیر پژوهش از نمونه تحقیق حذف می‌شدند.

یافته‌ها

آغاز تحلیل یافته‌های پژوهش با ارائه توصیفی از ویژگیهای کلی نمونه آماری می‌تواند بیان‌گر گروهی مشخصاتی کلی از افراد مورد مطالعه باشد و زمینه ذهنی را برای دریافت سایر نتایج آماده سازد. جدول شماره ۱، سیمای پاسخگویان را نشان می‌دهد.

جدول ۱: سیمای پاسخگویان

متغیرها	طبقات	فراوانی	درصد
جنس	مرد	۲۴۵	۶۵
	زن	۱۳۲	۳۵
سن	کمتر از ۱۵ سال	۱۴	۳/۷
	تا ۲۲ سال ۱۶	۱۰	۲/۷
	تا ۳۰ سال ۲۳	۶۶	۱۷/۶
	تا ۳۸ سال ۳۱	۸۳	۲۲/۲
	سال و بیشتر ۳۹	۲۰۱	۵۳/۷

Recognition of the components of the social base ...

متغیرها	طبقات	فراوانی	درصد
وضعیت تأهل	مجرد	۱۴۰	۳۷/۱
	متاهل	۱۱۰	۲۹/۲
	مجرد بر اثر فوت	۳۸	۱۰/۱
	مجرد بر اثر متارکه	۸۹	۲۳/۶
مدت کارتن‌خوابی	کمتر از یک سال	۱۳۹	۳۹/۷
	۱ تا ۲ سال	۴۷	۱۳/۴
	۲ تا ۴ سال	۴۳	۱۲/۳
	۴ تا ۶ سال	۳۷	۱۰/۶
	بیشتر از ۶ سال	۸۴	۲۴

از میان کل پاسخگویان، ۶۵ درصد را آقایان و ۳۵ درصد را خانمها تشکیل می‌دادند و مردان نسبت بالاتری از کارتن‌خوابی و بی‌خانمانی نسبت به زنان را به خود اختصاص داده‌اند. در مصاحبه‌هایی که با مدیران مراکز انجام شد، یکی از کارشناسان، به نکته مهمی اشاره کرد؛ زنان سالمند و دخترانی که به تازگی از خانه خارج شده‌اند، بیشتر در مراکز قانونی و گرم‌خانه‌ها هستند. زنان جوان و بیشتر زنان میان‌سال، به دلیل اینکه هنوز در جامعه می‌توانند به مطالبات جنسی پاسخ دهند و درآمد کسب کنند، معمولاً کمتر به مراکز مراجعه می‌کنند.

بیش از نیمی از پاسخگویان برابر با ۵۳/۷ درصد، بیش از ۳۸ سال داشتند و تعداد پاسخگویانی که زیر ۱۵ سال بودند، ۳/۷ درصد از کل نمونه بود. با اینکه این متغیر در سطح سنجش فاصله‌ای اندازه‌گیری شده بود، اما به دلیل اینکه فراوانی پاسخگویان میان‌سال نسبت به کودکان کارتن‌خواب زیاد بود و این نسبت محاسبه میانگین را با خطای آماری مواجه می‌کند، این آماره مرکزی نمی‌توانست قابل استناد باشد و به همین دلیل برای تحلیل از آن استفاده نشد. بیشترین فراوانی را در متغیر وضعیت تأهل، گروهی از کارتن‌خوابها تشکیل می‌دهند که مجرد

هستند و هرگز ازدواج نکرده‌اند. این گروه ۳۷/۱ درصد از پاسخگویان را به خود اختصاص دادند؛ با این حال از تعداد افرادی که بر اثر متارکه، در زمان پاسخگویی به پرسشنامه مجرد بودند نیز نمی‌توان صرف نظر کرد. این گروه که بیش از ۲۳ درصد از پاسخگویان بودند در اثر نابسامانیهای شخصی یا خانوادگی، از همسر خود جدا شده‌اند که اغلب آنان دارای فرزند نیز بودند. کارتن خوابهایی که متارکه کرده بودند، برابر با ۲۳/۶ و کارتن خوابهایی که در عین تأهل به این شیوه زندگی می‌کردند برابر با ۲۹/۲ درصد بودند که در مجموع بیش از نیمی از پاسخگویان؛ ۵۲/۸ درصد از جمعیت نمونه را به خود اختصاص می‌دهند که نمود بارزی از بی‌ثباتی در زندگی خانوادگی به شمار می‌رود.

بیشتر پاسخگویان را کارتن خوابهایی تشکیل می‌دادند که کمتر از یک سال بود که در خیابان زندگی می‌کردند؛ به عبارت بهتر، بی‌خانمان شده و به مراکزی مانند گرم‌خانه‌ها و مددسراها مراجعه کرده بودند یا توسط ارگانهایی مانند شهرداری یا نیروی انتظامی از خیابان به این مراکز منتقل شده بودند. تعداد افرادی هم که بیش از ۶ سال از بی‌خانمانی شان می‌گذشت، در رتبه دوم بیشترین فراوانی قرار داشتند و این نکته، نشان‌دهنده این امر است که دو طیف از افراد را بیشتر می‌توان در گرم‌خانه‌ها دید؛ یکی گروهی که به تازگی بی‌خانمان شده‌اند و به دنبال سرپناهی برای گذران شب هستند و گروه دیگر، از افرادی تشکیل شده که مدت زیادی را خارج از خانه گذرانده‌اند و آشنا به این مراکز هستند تا از سرمای شبانه و خطرات ناشی از خوابیدن در مکانهای عمومی در امان بمانند.

با توجه به ویژگیهای کلی پاسخگویان، پایگاه اجتماعی این افراد موردسنجش قرار گرفت که میزان درآمد، حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی (اعم از حمایت‌های مالی، تشویق برای ادامه تحصیل و غیره) و محرومیت‌های اجتماعی (میزان دسترسی به امکانات اجتماعی اعم از وجود شرایط مناسب برای تحصیل، اشتغال، ازدواج و غیره) آن را موردسنجش قرار دادند. جدول شماره ۲ این مؤلفه‌ها را موردسنجش قرار داده است:

جدول ۲: پراکندگی پاسخگویان بر اساس شاخصهای متغیر پایگاه اجتماعی

شاخصها	طبقات	فراوانی	درصد
وضعیت اقتصادی	پایین	۱۰۱	۲۷/۴
	متوسط	۲۰۸	۵۶/۴
	بالا	۶۰	۱۶/۲
محرومیت‌های اجتماعی	کم	۶۸	۱۹
	متوسط	۲۲۸	۶۳/۷
	زیاد	۶۲	۱۷/۳
حمایت‌های اجتماعی	کم	۲۶۶	۷۱/۵
	متوسط	۱۰۲	۲۷/۴
	زیاد	۴	۱/۱

وضعیت اقتصادی پاسخگویان نشان داد که ۲۷/۴ درصد از پاسخگویان پیش از کارتن‌خوابی، یا فاقد درآمد بودند یا درآمد آنان بسیار کم بوده است. در کنار این گروه از کارتن‌خوابها، افرادی حضور داشتند که هم خودشان و هم خانواده پدری آنان از وضعیت مطلوبی از نظر اقتصادی برخوردار بودند. این متغیر دارای ویژگیهای خاصی بود؛ از سویی دامنه پاسخها بین صفر تا ۶۰ میلیون تومان در نوسان بود و از سوی دیگر، تعداد زیاد پاسخهای بدون درآمدها در مقابل تعداد زیاد پردرآمدها و نیز مقایسه میانگین و میانه که نزدیکی زیادی به هم داشتند، مهیا بودن شرایط استفاده از میانگین را تأیید کرد. در این متغیر، میانه نشان داد که نیمی از پاسخگویان کمتر از یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان و نیم دیگر بیش از این مبلغ درآمد داشتند؛ میانگین پاسخها با میانه منطبق بود و متوسط درآمد پاسخگویان را ۵۰ هزار تومان بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان نشان داد.

در بسیاری موارد تراکم جمعیت در خانواده‌ها بالا بود و مساحت منزل مسکونی نیز

ضمانتی برای ایجاد فضای خصوصی به وجود نمی‌آورد. اما در بسیاری موارد، بخصوص در مورد افرادی که در سنین میان‌سالی و بالاتر بودند، همچنین در میان گروههایی که در شهرستانها در خانه‌های وسیع زندگی می‌کردند، فضایی برای اشخاص در نظر گرفته نمی‌شد. برخی از پاسخگویان مد نبودن این کار را در زمان نوجوانی و جوانی خودشان دلیل نداشتن اتاق شخصی می‌دانستند و این امر نشان‌دهنده این نکته است که فرهنگ سنتی ایرانیان در برخی مناطق کشور، فضای خانه را فضایی عمومی برای همه اعضای خانواده در نظر می‌گرفت و اختصاص دادن اتاق شخصی به افراد نیز بخشی از حقوق فردی تلقی نمی‌شد. موردتوجه بودن نیز یکی از نیازهای فردی و اجتماعی است تا ورود هر عضوی از جامعه به گروههای اجتماعی مورد تأیید قرار گیرد و اجتماعی شدن روند طبیعی خود را در پیش گیرد. اجبار نداشتن برای کار در سنین نوجوانی و نبود مخالفتهای مداوم و موانع زیاد برای نیل به خواسته‌ها نیز از شاخصهای محرومیت‌های اجتماعی بود که در مجموع ۶۳/۷ درصد از پاسخگویان، میزان متوسطی از محرومیت را تجربه کرده بودند.

مهم‌ترین حمایتی که فرد انتظار آن را دارد، حمایت‌های خانوادگی است که معمولاً ابعاد عاطفی آن از نظر افراد برجسته‌تر است. در مرحله دوم، به حمایت‌های سازمانهایی مثل بیمه، وزارت کار، شهرداری، بهزیستی و سایر سازمانها اهمیت داده می‌شود. ۷۱/۵ درصد از پاسخگویان بر این باور بودند که حمایت‌های اجتماعی کمی شامل حال آنان می‌شود و تنها ۱/۱ درصد از پاسخگویان حمایت زیادی داشتند که این افراد بیشتر کسانی بودند که از حقوق بازنشستگی والدین خود یا بیمه درمانی برخوردار بودند. بر اساس این سه شاخص، پایگاه اجتماعی افراد مورد مطالعه قرار گرفت.

جدول ۳: پراکندگی پاسخگویان بر اساس پایگاه اجتماعی

متغیر	طبقات	فراوانی	درصد
پایگاه اجتماعی	پایین	۱۴۶	۳۹/۳
	متوسط	۱۸۳	۴۹/۲
	بالا	۴۳	۱۱/۵

در میان پاسخگویان که برآمده از جامعه کنونی هستند و از سوی دیگر به نسل‌های مختلفی تعلق دارند، می‌توان تفاوت‌های زیادی مشاهده کرد. برای مثال، میزان درآمد فرزندان و والدین و همچنین، میزان تحصیلات پاسخگویان با والدینشان، تناسب چندانی نداشت و در اغلب موارد تأثیر تحصیلات والدین و میزان درآمد فرزندان در پایگاه اجتماعی آنان نقش مؤثری دارد. اما این تأثیر به صورت معکوسی در میزان محرومیت‌های خانوادگی نقش داشته، زیرا بیشتر خانواده‌ها سعی در فراهم کردن حداقل امکانات برای تحصیل فرزندان را داشته‌اند. در بسیاری موارد مشاهده شد که والدین پاسخگویان با تحصیلات کم، درآمد مناسبی داشتند، اما فرزندان با تحصیلات بالا، درآمد کم داشتند یا بدون درآمد بودند. این عامل سبب شد که افراد در پایگاه پایین یا متوسط جای گیرند و ۴۹/۲ درصد از پاسخگویان در پایگاه اجتماعی متوسط باشند که بیشترین فراوانی را دارد و ۳۹/۳ نیز در پایگاه اجتماعی بالا بودند. این نکته هم باید مورد توجه قرار گیرد که این تفاوتها بین دو نسل، ایجاد اختلاف بین نسلی نیز می‌کند و خلأهای مختلفی را به دلیل ناآشنایی دو نسل به نیازهای یکدیگر به وجود می‌آورد که از زمینه‌های بروز احساس محرومیت یا کمبود حمایت‌های اجتماعی مورد نیاز است. پس از توصیف متغیر پایگاه اجتماعی، پرداختن به رابطه این متغیر و گرایش به کارتن‌خوابی آزمون شد:

جدول ۴: آزمون رابطه پایگاه اجتماعی و گرایش به کارتن خوابی

سطح معناداری	ضریب اسپیرمن	
۰/۰۸۱	۰/۰۹۴	رابطه پایگاه اجتماعی و گرایش به کارتن خوابی

رابطه پایگاه اجتماعی و کارتن خوابی با ضریب اسپیرمن موردسنجش قرار گرفت که نتیجه حاصل از این آزمون نشان داد که این رابطه، در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نبود. بنابراین برای اطمینان حاصل کردن از اینکه پایگاه اجتماعی ارتباطی با کارتن خوابی در سطح اطمینان ۹۵ درصد ندارد، رابطه هر یک از پایگاههای بالا، متوسط و پایین، به صورت جداگانه با متغیر کارتن خوابی سنجش شد.

نتایج آزمون رابطه هر یک از پایگاههای اجتماعی با کارتن خوابی نشان داد که پایگاه اجتماعی پایین و متوسط با کارتن خوابی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بودند، اما پایگاه اجتماعی بالا ارتباط معناداری با کارتن خوابی در سطح اطمینان ۹۵ درصد نداشت. البته تعداد نمونههایی که از پایگاه اجتماعی بالایی برخوردار بودند نسبت به تعداد نمونههایی با پایگاه اجتماعی پایین، نشان دهنده این نکته است که احتمال وجود رابطه در تعداد نمونههای برابر از هر دو پایگاه اجتماعی وجود دارد. اما این متغیر نیز رابطهای خطی با متغیر وابسته نداشت، به همین دلیل پژوهشگر از مصاحبههایی که با کارتن خوابیهای شهر تهران انجام داده، در راستای پشتیبانی از این فرضیه برآمد که انحرافات اجتماعی؛ در این مقاله، کارتن خوابی الزاماً برخاسته از طبقات محروم اجتماعی نیست.

جدول ۵: آزمون رابطه پایگاه اجتماعی بالا، متوسط و پایین با گرایش به کارتن‌خوابی

متغیر	طبقات	خی دو	سطح معناداری
پایگاه اجتماعی	پایین	۳۲/۲۹۳	<۰/۰۰۰۱
	متوسط	۲۸/۶۰۷	۰/۰۴۸
	بالا	۴/۱۵۲	۰/۲۴۵

بسیاری از نمونه‌های مورد مطالعه از نظر پایگاه اجتماعی و نیز طبقه اقتصادی در وضعیت مطلوبی قرار داشتند، اما در گروه کارتن‌خوابها قرار گرفته بودند. بر این اساس، نتایج حاصل از یافته‌های کیفی نیز ارائه می‌شود. «ساخت هر گروه، سازمان یا نهاد اجتماعی می‌تواند به نسبت در اختیار گذاردن شانسهای اجتماعی^۱ یا به تعبیری درست‌تر، فرصتهای زندگی^۲ به اعضای آن گروه، واقعیت اجتماعی متفاوتی را پدید آورد. فرصتهای زندگی، موقعیتهایی است که از گوهر زندگی در یک طبقه خاص سرچشمه می‌گیرد و به همین دلیل افراد در برابر آنها اختیار چندانی ندارند. در برابر این جبر طبقاتی که گوهر تاریخی و جامعه‌ای طبقه را بر فرصتهای زندگی تحمیل می‌کند، سبک زندگی^۳ قرار می‌گیرد و عبارت از شیوه‌ای انتخابی از زیست اجتماعی است که هر گروه، نهاد یا سازمانی آن را به نسبت تاریخی و جامعه‌ای خود از نو می‌سازد یا از میان شیوه‌های موجود یکی را انتخاب می‌کند» (تنهایی، ۲۰۱۳). فرصتهای زندگی برخاسته از طبقه اقتصادی و درآمدی افراد است که محل سکونت، هزینه‌های زندگی، شیوه‌های گذران اوقات فراغت و ... می‌توانند تحت تأثیر آن قرار گیرند. حتی سبک زندگی که شیوه‌ای انتخابی است به وسیله فرصتهای زندگی محدود می‌شود و موجب به وجود آمدن سبکهای متنوعی از زندگی می‌شود که تقریباً هیچ اشتراکی با یکدیگر ندارند. پایگاه اجتماعی نیز مانند سبک

1. Social Chance
2. Life Opportunity
3. Life Style

زندگی وابستگی زیادی به طبقه اقتصادی افراد دارد؛ از آنجاکه شرایط خانواده خاستگاه هر فردی می‌تواند میزان دسترسی افراد را به موقعیتهای کسب مهارت‌های اجتماعی و ارتباطات اجتماعی مؤثر مشخص کند، در کسب پایگاه اجتماعی نیز تأثیر بسزایی دارد. نمونه‌هایی از مصاحبه با کارتن‌خوابها که از پایگاههای اجتماعی متفاوتی هستند، در زیر آمده است:

- یوسف، ۳۰ ساله، مهاجر از لالچین همدان: تا زمانی که در رستوران کار می‌کردم، از لحاظ مالی وضع خوب بود تا اینکه از رستوران بیرون آمدم و با دوستانی آشنا شدم که مواد مصرف می‌کردند.

- محمد، ۲۸ ساله، مهاجر از مهاباد: ۱۴ سال داشتم که برای کار به تهران آمدم. اول دنبال کار گشتم و کار هم پیدا کردم، مدتی سر کار رفتم، اما معتاد شدم و بعد هم بیکار. بی‌پول که شدم مجبور شدم در خیابان بخوابم و الآن در شوش هستم. وضعیت مالی پدرم خیلی خوب بود، ولی من فکر می‌کردم در تهران بهتر می‌توانم کار کنم. هنوز هم گاهی پدرم برای دیدنم می‌آید تا من را با خودش ببرد، ولی من فرار می‌کنم. چون در شهرستان همه همدیگر را می‌شناسند و وجود من برای آبروی پدرم خوب نیست.

- علی، ۳۵ ساله، متولد تهران: اصالتاً اهل هشتگرد مراغه‌ام، اما تهران دنیا آمدم. در منطقه ۱۷ ساکن بودیم. بعد از رفتن به اسلامشهر، در آنجا و منطقه واوان رفت‌وآمد داشتم. خانه‌ام در اسلامشهر ویلایی بود. در اوقات فراغت در همان منطقه زندگی خودمون و توی پارکها بودیم که برای مصرف به آنجا می‌رفتیم.

- رضا، ۲۸ ساله، اهل تهران: من دانشگاه آبیگ قزوین می‌رفتم. اولین مصرف هم توی دانشگاه بود. خانواده‌ام قول داده بودند که اگر دانشگاه قبول بشوم، یه ماشین سواری هم برابم بخرند. برای دور زدن با ماشین سمت ستارخان و تهران ویلا می‌رفتیم. اما پاتوقهای مصرف همون محله خودمون بود که بعد هم از خانه آمدم بیرون.

- روح‌الله، ۳۹ ساله، مهاجر از اراک: از بچگی با مواد مخدر آشنایی داشتم. زمانی که پدرم مصرف می‌کرد، خوب بود، مهربون بود، ولی وقتی مصرف نمی‌کرد، بد بود. اینها برایم عجیب بود. کنجکاو بودم، اما مصرف نمی‌کردم. تا ۲۴ سالگی بوکس کار می‌کردم و به تیم ملی هم دعوت شده بودم. به خاطر شغلم هم به تهران رفت‌وآمد داشتم. من کارشناس ارشد یک شرکت دارویی بودم. اما بعد از جدایی از همسرم در تهران ماندگار شدم، تصادف کردم و همه پس‌اندازم را خرج کردم. بعد هم ادامه مصرف مواد و شروع زندگی در خیابان.
- مینا، ۵۳ ساله، اهل تهران: در شرایطی که دیگران از برخورد با من طفره می‌رفتند، دیگر نمی‌توانستم با کسی ارتباط بگیرم و اذیت می‌شدم. چون همیشه یا مصرف می‌کردم تا زندگی کنم یا زندگی می‌کردم که مصرف کنم. دیگران هم از حضور من راضی نبودند و من هم از خانه پدرم بیرون آمدم.
- مهدی، ۴۱ ساله، اهل تهران: پدر و مادرم بی‌سواد بودند و درآمد آنها متوسط بود. خودم هم ترک تحصیل کردم، اما من زمانی که کفاشی می‌کردم، درآمد خوبی داشتم و هزینه زندگی‌ام تأمین می‌شد، اما بعد از آن که ورشکست و بیکار شدم، کم‌کم به سمت اعتیاد رفتم و همه چیز را از دست دادم. از آنجا بود که زندگی در خیابان شروع شد. الآن مصرف نمی‌کنم، اما کسی هم به من اعتماد نمی‌کند تا کار بدهد.
- احسان، ۵۳ ساله، مهاجر از بروجرد: من حدود ۹ سال اسیر بودم و به علت شکنجه‌هایی که شده بودم، تعادل روانی نداشتم. پس از بازگشت با همسرم مشکل پیدا کردم و از هم جدا شدیم. بارها به بنیاد مراجعه کردم تا حرفم را بگویم، اما کسی به حرف من گوش نکرد... خانه پدری‌ام در بروجرد، ۲۰۰ متر است و یک خانه سازمانی در تهران دارم. الآن دو سال است که در این پارک می‌خوابم.
- شیوا، ۲۸ ساله، اهل تهران: نزدیک به ۸ سال پیش بود که مادر و پدرم در یک تصادف فوت کردند. من که با مرگ پدر و مادرم دچار افسردگی شده بودم، نمی‌توانستم خانه را اداره

کنم. اوضاع اقتصادی پدر و برادرهایم خوب بود، اما کمتر از یک سال از فوت آنها گذشته بود که برادرهایم خانه پدری‌ام که در گیشا بود را فروختند و دارایی پدرم را بین خودشان تقسیم کردند. من هم با تحویل خانه به صاحب‌خانه جدید بی‌جا و مکان شدم. مدتی در خیابان می‌خوابیدم که مأموران من را تحویل بیمارستان روزبه دادند. چند ماه آنجا بودم و بعد آمدم اینجا.

- محسن، ۵۲ ساله و اهل کرمانشاه: فوق‌لیسانس ادبیات دارم و در کرمانشاه معلم بودم و ۱۷ سال سابقه کار دارم. مدتی هم معاون آموزش و پرورش بودم... در یک تصادف رانندگی، همسر و فرزندانم را از دست دادم و دچار شوک شدم، دیگر نتوانستم در کرمانشاه بمانم و شرایط آنجا را تحمل کنم. تصمیم گرفتم به تهران بیایم... در تهران مدتی را در خیابانها و پارکها گذراندم. در شرایط نامساعدی از نظر روانی و اعتیاد بودم و در حال حاضر، شرایطم رو به بهبودی است.

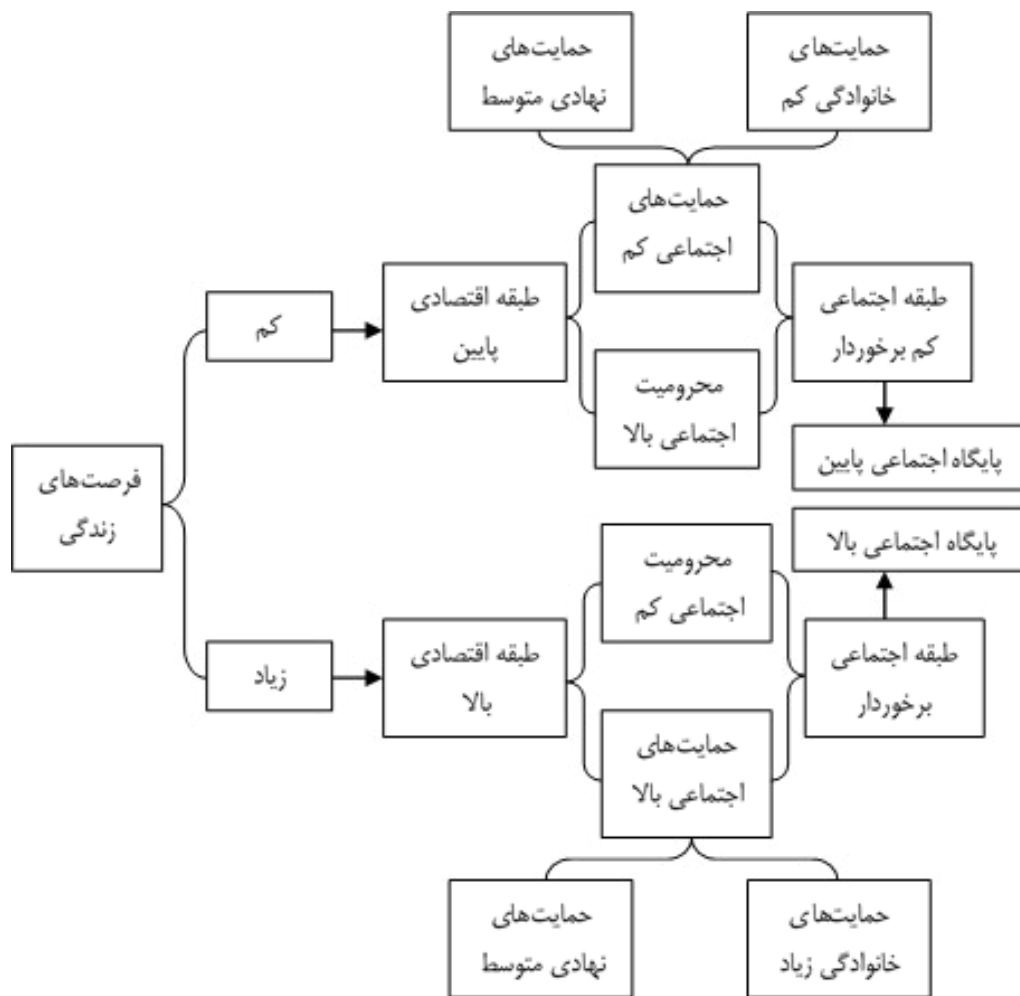
این مصاحبه‌ها، نمونه‌هایی از اطلاعات گردآوری شده بود و بیانگر این نکته است که کارتن‌خوابها الزاماً افرادی از طبقه پایین اجتماعی نیستند. بلکه جامعه سرمایه‌داری که تضادگرایان بر آسیبهای ناشی از نابرابری در آن تأکید دارند، شرایطی از رقابت اقتصادی را پدید آورده که نبود یا کمبود حمایت‌های خانوادگی و حمایت‌های اجتماعی موجب می‌شود تا افرادی از طبقه متوسط و بالای اقتصادی به اجبار یا با اختیار در میان گروهی از افراد دیده شوند که یک نگاه ساده‌انگارانه، آنها را برخاسته از طبقه فقیر اقتصادی می‌داند. درحالی‌که مؤلفه‌ها و شاخصهای منزلت اجتماعی در میان بسیاری از این افراد وجود دارد، اما طرد یا محرومیت‌های ناشی از ناپایداری روابط اجتماعی، از دست رفتن حمایت خانوادگی و حتی گاهی در شرایط وجود حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی منجر به بروز پدیده‌ای مانند کارتن‌خوابی می‌شود.

جدول ۶: بازشناسی مقوله‌ها، مفاهیم و مؤلفه‌های تشکیل دهنده پایگاه اجتماعی

مفهوم	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
ترک تحصیل برای شغل	طبقه پایین اقتصادی	وضعیت اقتصادی
زندگی در محلات جنوبی شهر		
مهاجرت از شهرهای بزرگ و کوچک		
سکنی گزیدن در محلات حاشیه‌ای پس از مهاجرت		
کم‌درآمد بودن خانواده		
ترک خانواده در جستجوی شغل پردرآمد		
زندگی در محلات شمالی و غربی	طبقه بالای اقتصادی	
پردرآمد بودن خانواده		
اشتغال در سمت‌های بالای شغلی		
بی‌خانمانی پس از فوت والدین	حمایت‌های خانوادگی	حمایت‌های اجتماعی
استقبال از دیدار فرد کارتن‌خواب توسط خانواده		
شوک پس از فوت یا متارکه از همسر		
عدم رسیدگی به امور آزادگان	حمایت‌های نهادی	
عدم توجه به نیازهای کارمندان با سابقه		
نداشتن شغل به دلیل سابقه اعتیاد و کارتن‌خوابی		
داشتن تحصیلات عالی	برخوردار	محرومیت‌های اجتماعی
برخورداری از شغلها و سمت‌های بالا در سازمانها		
ورزش باشگاهی و حرفه‌ای		
گذران اوقات فراغت در پارک‌های محلات جنوبی	کم برخوردار	
گذران اوقات فراغت در خیابانها		
هم‌نشینی با دوستان در خوابگاه دانشجویی		

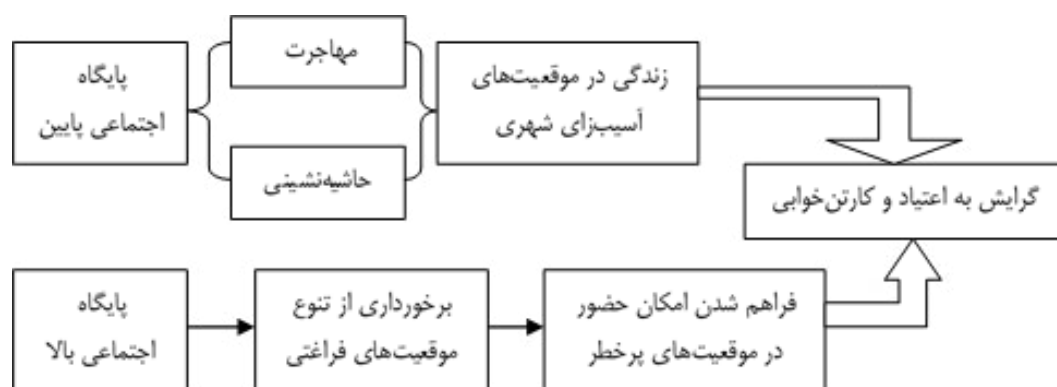
یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که انسجام درون‌گروهی میان این افراد بسیار بیشتر از انسجام برون‌گروهی آنهاست و از سوی دیگر وجود نابرابری، عدم اعتماد برای اشتغال و دوری کردن از ارتباط با این گروه اجتماعی از مهم‌ترین مسائلی است که باعث می‌شود تا این افراد نتوانند پیوند دوباره‌ای با جامعه داشته باشند. نتایج تحلیل کیفی داده‌ها با بازشناسی مؤلفه‌های پایگاه اجتماعی در مدل زیر به نمایش درآمده است:

مدل ۱: بازشناسی مؤلفه‌های پایگاه اجتماعی



در میان کارتن‌خوابها هم افرادی از پایگاه اجتماعی پایین و هم افرادی از پایگاه اجتماعی بالا حضور داشتند که در نمودار زیر نشان داده شده است:

مدل ۲: گرایش به تجربه کارتن‌خوابی به تفکیک پایگاه پایین و بالای اجتماعی



بحث

نتیجه حاصل از پرسشنامه‌ها ارتباط خطی بین متغیرهای پژوهش را نشان نداد و به همین دلیل، متغیرهای مستقل در سه گروه طبقه‌بندی شدند که ابتدا، میانه و انتهای طیف را نشان می‌داد. سنجش رابطه بین متغیر پایگاه اجتماعی و کارتن‌خوابی نشان داد که پایگاه اجتماعی متوسط و پایگاه اجتماعی پایین در رابطه با متغیر کارتن‌خوابی بودند و پایگاه اجتماعی بالا، رابطه معناداری با متغیر وابسته نشان نداد. افرادی که دارای پایگاه اجتماعی پایین و متوسطی بودند، به دلایل مختلف مثل فقر اقتصادی، محرومیت‌های اجتماعی و کمبود حمایت‌های اجتماعی گرایش به کارتن‌خوابی پیدا کرده‌اند؛ به عبارت بهتر، بر اساس شرایط جامعه، معانی موجود در جامعه را دریافت کرده و نسبت به آن کنش خود را انتخاب نمودند که اعتیاد و کارتن‌خوابی نمونه‌ای از این کنشها است. اما گروه دیگری نیز در میان کارتن‌خوابها

دیده شدند که پایگاه اجتماعی بالایی داشته و به دلیل توجه زیاد از سوی خانواده از حمایت اجتماعی بالایی برخوردار بودند. این گروه، با قرار گرفتن در موقعیتهایی که خواسته‌هایشان برآورده نمی‌شد، دست به معناسازی دوباره از روابط اجتماعی زده و راه جدیدی را به وجود آوردند. معناسازی در این چارچوب باعث شد که این افراد به جای گرایش به خانواده و همسازی با جامعه و برخورداری از امکاناتی که خانواده و جامعه در اختیارشان قرار می‌داد، وارد گروه کارتن‌خوابها شده و از روی اختیار این شیوه زندگی را برگزینند. نتایج این پژوهش با یافته‌های ویثربی (۲۰۰۸) از آن جهت همسو بود که هر دو پژوهش به نقش حمایت‌های اجتماعی از افراد برای زندگی در جامعه اهمیت داده‌اند. تئوری سازمان کارگزار می‌تواند با موفقیت در همکاری‌های اجتماعی برای پیگیری از بی‌خانمانی به کار گرفته شود. جوامعی که از قدرت و منابع تقسیم‌شده برخوردارند، قادرند که نقش خویش را به‌عنوان سازمان‌های کارگزار حفظ کنند و منابع جدید را مؤثرتر جذب کنند. ساخت سازمانی همکاری در جهت پیشگیری از بی‌خانمانی به شدت به ارتباط بین نظامها و مردم وابسته است و می‌تواند لیست نیازهای مربوط به پیشگیری از قبیل درآمد، سلامتی، داشتن خانه و تحصیلات را برآورده سازد. درنهایت، این تحقیق راه‌های اجرایی برای رویکرد پیشگیری از بی‌خانمانی را موردبررسی قرار داده و بر اهمیت به‌کارگیری منابع کمیاب تأکید کرده است. نشان دادن چگونگی ارزیابی پتانسیل شبکه، فهماندن ضرورت ایفای نقش در همکاری‌های اجتماعی و نحوه هدایت این منابع به سیاست‌گذاران از اهداف این مطالعه بود (ویثربی، ۲۰۰۸). گزارش بی‌خانمانی در امریکا (۲۰۱۰) نیز نشان داد که با بدتر شدن وضعیت اقتصادی، بی‌خانمانی کاهش یافته است و این نشان می‌دهد که یافته‌های این پژوهش به‌درستی بر گزاره‌ای تأکید کرده که احتمال خطای آن بالاست و نتایج نیز همسو با گزارش بی‌خانمانی در امریکا بود. اما مقاله صدیق‌سروستانی و نصرافهانی (۲۰۱۰) که با تأکید بر دیدگاه تضادگرایی به مطالعه کارتن‌خوابی پرداخته‌اند، سازگار با نتایج این پژوهش نیست. آنان به این نتیجه رسیدند که

ترکیبی از سه عامل باعث کارتن‌خوابی شده‌اند که عبارتند از: عدم تطابق با محیط پس از مهاجرت که در نهایت می‌تواند موجب گسست فرد از روابط خانوادگی و دوستانه شود، اعتیاد نیز دومین عامل است که به‌عنوان مقوله مرکزی و پیونددهنده سایر عوامل به مهیا شدن مسیر بی‌خانمانی یاری می‌رساند و مشکلات جسمی یا روانی، عامل مهم دیگری هستند که زمینه‌ساز طرد فرد از خانواده و در نهایت بی‌خانمانی می‌شوند. باید توجه داشت که هر یک از این عوامل به‌تنهایی موجب کارتن‌خوابی نمی‌شود و مجموع این عوامل به پدیده طرد اجتماعی و بی‌خانمانی می‌انجامد. آنان محرومیت را ناشی از فقر، بیماری جسمی یا روانی و ناشی از بیگانگی در محیط جدید زندگی به‌شمار آورده‌اند که صرفاً ویژگی‌های بخشی از کارتن‌خوابها هست و می‌تواند سازوکارهای طردکننده در خانواده، محل کار و اجتماع محلی بوده و خطر بی‌خانمانی را برای برخی افراد افزایش دهند (صدیق‌سروستانی و نصرافهانی، ۲۰۱۰). به همین دلیل بود که پژوهشگر با داشتن شواهدی که از مطالعات میدانی کسب کرده بود به این فرضیه با دو رویکرد کمی و کیفی پرداخت و توانست گروه‌های مختلفی را در میان کارتن‌خوابها از پایگاه‌های اجتماعی متفاوت پیدا کند.

یافته‌های بخش کمی و کیفی این تحقیق، یکدیگر را پشتیبانی و تأیید کرد. در تحلیل و تبیین رابطه متغیر پایگاه طبقاتی و کارتن‌خوابی، متغیری وارد تحلیلها می‌شود که حمایت‌های اجتماعی از سوی نهاد خانواده و سازمان‌های اجتماعی را شامل می‌شود. هر چه فرد از پایگاه طبقاتی پایین‌تری باشد، نیاز وی به حمایت‌های اجتماعی بیشتر خواهد شد و هر چه فرد از پایگاه اجتماعی بالاتری برخوردار باشد، با وجود اینکه به نظر می‌رسد، نیاز کمتری به حمایت‌های اجتماعی داشته باشد، اما بالا رفتن آگاهی در این اقشار اجتماعی نیز حمایت‌های اجتماعی مانند بیمه، شغل، درمان و غیره را می‌طلبد که برخاسته از انتظارات این اقشار اجتماعی است. اما به دلیل اینکه افرادی با پایگاه طبقاتی بالا، معمولاً از سوی خانواده

پوششهای حمایتی مالی و تا حد زیادی روانی را دارند، کمتر با چالش حمایتیهای سازمانهای اجتماعی دست‌به‌گریبان هستند. این متغیر نیز در میان افرادی که پایگاه طبقاتی پایین داشتند و نیاز بیشتری به حمایتیهای اجتماعی، رابطهای معنادار با کارتن‌خوابی را نشان داد. در فرهنگهایی که فرد به دنبال موقعیتی برای فرار از فضای محدودی است که در آن فضا میان نگاههای اعضای خانواده محصور شده است و حتی از جهت مالی با اینکه شغل دائمی دارد، اما نمی‌تواند استقلال مالی داشته باشد، محرومیت‌های مادی و غیرمادی افزایش پیدا می‌کند و یکی از پیامدهای آن مهاجرت است که باعث می‌شود، فرهنگ قومی بسته، تبدیل به یک فرهنگ تعاملی یا نیمه‌باز شود و زمینه‌های عدم تعادل در کنترل‌های درونی و کنترل‌های بیرونی را فراهم سازد و محرومیت‌های اجتماعی برای افرادی که به شهرهای بزرگ مهاجرت کرده‌اند با معنایی تازه، مفهومی گسترده‌تر پیدا کند و در رابطه متقابل با حمایتیهای اجتماعی بتواند پایگاه اجتماعی افراد را در انتخاب آگاهانه و تحلیل موقعیت تبدیل به یک عنصر محوری کند. بدین ترتیب پایگاه اجتماعی دارای سه مؤلفه طبقه اقتصادی، محرومیت‌های اجتماعی و حمایتیهای اجتماعی، رابطهای متقابل بین این سه عنصر را نشان داد که تفسیر فرد از موقعیت را به دلیل تغییر در آگاهی کنشگر بر اساس تجربه‌های اجتماعی وی را دگرگون می‌سازد. به‌طوری‌که برخی از پایگاههای اجتماعی پایین همان راهی را برای زندگی خود پیش روی دارند که افرادی از پایگاههای اجتماعی بالا و این امر بر این نکته تأکید دارد که موقعیتهای اجتماعی و اقتصادی در جامعه در صورتی که به‌صورت شفاف و آگاهی‌بخش به‌عنوان بخشی از امکانات اجتماعی قابل‌دسترسی باشد، بسیاری از احساس محرومیتها یا کمبود حمایتیهای اجتماعی و در مقابل آن، فرار از توجه زیاد می‌تواند به‌عنوان بسترهای آفرینش و خلاقیت آدمی در راستای پرورش مهارتهای اجتماعی بارور شود.

محدودیت‌های پژوهش

این پژوهش هم مانند هر پژوهش دیگری دارای محدودیت‌هایی بود که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

پژوهشگر برای نمونه‌گیری نیاز به آمار رسمی و معتبر داشت که این آمار مربوط به کارتن‌خوابهایی بود که در گرم‌خانه‌ها شب را به صبح می‌رساندند و این در حالی است که ممکن است آمار غیررسمی و واقعی کارتن‌خوابها بیش از این باشد.

در زمان مطالعه، دوره‌ای بود که گورخوابی به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی مطرح شد که این افراد در آمار کارتن‌خوابها نبودند و به همین دلیل، پژوهشگر ناچار بود به دلیل استناد به آمار رسمی، از این افراد نمونه‌گیری کند و اطلاعات موردنیاز را نیز از آنان گردآوری کند.

از آنجاکه ساعات فعالیت گرم‌خانه‌ها، ساعات پایانی روز است و پژوهشگر برای جمع‌آوری داده‌ها باید در این زمان محدود از کارتن‌خوابها گردآوری می‌کرد، مدت‌زمان زیادی؛ حدود سه ماه را برای این کار اختصاص داد.

ورود آقایان به گرم‌خانه‌های مخصوص نگهداری زنان ممنوع بود و به همین دلیل، پژوهشگر از دستیار پژوهشی خانم برای گردآوری داده‌ها از زنان استفاده کرد که آموزش دیده بود.

پیشنهادات پژوهش

۱. حمایت‌های اجتماعی که در میان بیشتر کارتن‌خوابها، به میزان بسیار کمی دیده می‌شد، توسط سازمانهای مربوطه تقویت شود تا بازگشت این افراد به جامعه تسهیل شود.

۲. فعال بودن بازار جنسی برای زنان کارتن‌خواب ضرورت شبانه‌روزی بودن مراکز نگهداری را نشان می‌دهد. زیرا به اذعان یکی از مدیران، زنانی که به گرم‌خانه‌ها مراجعه می‌کنند یا زنان میان‌سال و پیر هستند و یا دختر بچه‌هایی که با مطالبات بازار جنسی آشنا نیستند.

۳. غربالگری که یکی از مراحل نگهداری کارتن خوابها در جلسات مختلف به شمار آمده است، در عمل به حلقه مفقوده‌ای تبدیل شده که احیای آن می‌تواند مسیر بازگشت این افراد به جامعه را تسهیل کند. مشاوره‌های تخصصی و حرفه‌ای از سوی مشاوران دوره دیده در سازمانها نیز در این مرحله برای بازپروری روانی و جسمی این افراد مهم به شمار می‌رود که در حیطه اختیارات بهزیستی، کمیته امداد امام خمینی (ره) و برخی سازمانهای مردم‌نهاد قرار می‌گیرد.

ملاحظات اخلاقی

منابع مالی

در پژوهش حاضر تمامی هزینه‌ها بر عهده نگارنده بوده و هیچ‌گونه حامی مالی نداشته است

تعارض منافع

با پژوهشهای پیشین نویسندگان تعارضی ندارد

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

در پژوهش حاضر سعی شد که تمامی منشورهای حرفه‌ای مکتوب و مدون و همچنین «اصولی نانوشته» اخلاق علمی و دانشگاهی رعایت شود.

- Aboonouri, Ismaeil & Reza Abbasi Ghaderi. (2007). Estimating the Effect of Economic Growth on Iran's Poverty. *Iranian Journal of Economic Research*. 9, No. 30, pp. 23-52 (In Persian)
- Taleban, Mohammad Reza. (1999). Juvenile delinquency and control theory; Empirical research. *Research Index*. No. 17, pp. 100-112. (In Persian)
- Tanhaei, H.A. (2013). *Theoretical Sociology*. Tehran: Behnam Borna Publication (In Persian)
- Tanhaei, H.A. (2011). *Analytical Recognition of Modern Sociological Theories in: Modernity in Paths: The Second Generation*. Tehran: Elm Publishing (In Persian)
- Tanhaei, H.A. (2009). *Herbert Blumer and Symbolic Interactionism*. Tehran: Bahman Borna Publications (In Persian)
- Toffler, Alvin. (2008). *Third Wave. Translation: Shahindokht Kharazmi*. Tehran: Farhang-e- no Publishing (In Persian)
- Vold, George. (2001). *Theoretical Criminology. Translation: Ali Shojaee*. Tehran: Samt Publishing (In Persian)
- *Analytical News Site*, Sep. 2015
- *Deputy Mayor of Tehran*, 2016
- Gaetz, Stephen, Jesse Donaldson, Tim Richter, & Tanya Gulliver (2013). *The State of Homelessness in Canada 2013*. Toronto: Canadian Homelessness Research Network Press
- Homb, M. E. (2001). *American homelessness: a reference handbook*. Santa Barbara: ABC, CLIO.
- Aghaei, Seyed Saeid, Alireza Kaldi & Mansour Vosoughi. (2018). Explaining the Daily Life of Homelessness in Tehran and its Relationship with Social Security. *Journal of Social Security Studies*, No. 50, Summer 1396, pp. 159-185 (In Persian)
- Hopkins Burke, Roger. (2001). *An Introduction to Criminological Theory*. USA and Canada: Willan
- U. S. National Alliance to End Homelessness. (2012). *The State of Homelessness in America*. Homelessness Research Institute
- Visrebi. D. (2008) Social Exclusion and Social Solidarity: Three Paradigms. *International Labour review* , pp 530-578.
- Kalantari, Mohsen and Mohammad Kazem Jabbari. (2013). Physical Pathology of Delinquency Focus Areas in District 19 of Tehran, Case Study: Crimes of Spoilage and Narcotics. *Geography Quarterly*. 11th year, No. 36, pp. 139-157 (In Persian)

- Meinz, David. (2005). *Herbert Blumer in the Encyclopedia of 2005 in Tanhaei, H.A. (2009)*. Herbert Blumer and Symbolic Interactionism. Tehran: Bahman Borna Publications (In Persian)
- Orcard, Bernard. (2008). *French TV interview with two experts on Iran*. Magazine Solidarity (In Persian)
- Raghfar, Hossein, Mitra BabaPour and Mohaddeseh Yazdanpanah. (2014). Investigating the relationship between economic growth and poverty and inequality in Iran during the first to fourth development plans. *Quarterly Journal of Applied Economic Studies*. Year 4, No. 16, Winter 2014, pp. 59-79 (In Persian)
- Sediq Sarvestani, Rahmatullah and Arash Nasr Esfahani. (2010). Addiction, social exclusion and Homelessness in Tehran; qualitative research. *Journal of Social Issues Review*. No. 4, pp. 1-18 (In Persian)
- Simmel, George. (2015). *Articles about George Simmel*. (Translator: Shahnaz Mosama parast). Tehran: Ghoghnoos Publishing (In Persian)
- Stones, Rob. (2012). *Key Sociological Thinkers*. Translation: Mehrdad Mirdamadi. Tehran: Markaz publishing (In Persian)